



## فریدون بشد نام از و ماند باز

محمد تقی راشد محصل

استاد بهمن سرکاراتی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، بیست و نهم خرداد ماه ۱۳۹۲ به جمع رفتگان بنام فرهیخته پیوست. زنده‌یاد به سال ۱۳۱۶ در تبریز متولد شد. دوره تحصیلات ابتدائی را در دبستان اسدی و دوره متوسطه را در دبیرستان امیرخیزی همان شهر گذراند. مقطع کارشناسی دانشگاهی را در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تبریز با درک محضر استادان صاحب‌نامی همچون روان‌شادان مرتضوی، خیام‌پور، قاضی طباطبائی، ماهیار نوّابی، ترجمانی‌زاده طی کرد و، در سال ۱۳۳۹، به اخذ لیسانس نایل گشت. وی، برای ادامه تحصیل، عازم انگلستان شد و در مدرسه مطالعات شرقی و افریقائی<sup>۱</sup> لندن از درس ایران‌شناسان ممتازی همچون دیوید نیل مکنزی (۱۹۲۶-۲۰۰۱) و مری بوّیس (۱۹۲۰-۲۰۰۶) فیض برد و، با نیل به درجه کارشناسی ارشد، در سال ۱۳۴۵، به ایران بازگشت. سرکاراتی، در سال ۱۳۴۶، خدمات علمی خود را در رشته زبان‌های ایران باستان در دانشگاه تبریز آغاز کرد و، به موازات آن، برای طی دوره دکتری در رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی، وارد دانشگاه تهران شد و پایان‌نامه این مقطع را با عنوان «بررسی سه

1) The School of Oriental and African Studies

سرود گاهانی، یسن ۲۸ و ۲۹ و ۳۰» گذراند. وی، در سال ۱۳۴۹ به اخذ درجه دکتری نایل آمد و، پس از دو سال، به درجه دانشیاری ارتقا یافت. سپس، در سال ۱۳۵۱، با استفاده از فرصت مطالعاتی، به اروپا رفت و، در انگلستان، به پژوهش علمی پرداخت. همچنین، در سال ۱۳۶۵، به دعوت بخش زبان‌های خارجی دانشگاه توکیو، برای تدریس به عنوان استاد مدعو، به ژاپن سفر کرد.

سرکاراتی در تأسیس گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز سهم مؤثر داشت؛ عضو فعال کمیته پژوهشی آن دانشکده بود؛ مدتی ریاست بخش انتشارات، بخش آموزش زبان، و مدیریت گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی را عهده‌دار شد؛ و، در سال ۱۳۶۱، به درجه استادی رسید. استاد، در سال ۱۳۸۵، پس از چهل سال خدمت ثمربخش و تدریس و تحقیق، بازنشسته شد.

سرکاراتی در سال ۱۳۷۰، به عضویت در فرهنگستان زبان و ادب فارسی مفتخر گردید و، با تشکیل گروه زبان‌های باستانی در سال ۱۳۷۱، به ریاست آن انتخاب شد. وی، از سال ۱۳۷۶، به عنوان معاون پژوهشی و عضو هیئت امنای بنیاد ایران‌شناسی، در تهیه و اجرای برخی از طرح‌های پژوهشی آن مرکز تحقیقاتی، شرکت و نظارت مؤثر داشت. همچنین سخنرانی محققانه و جامع او در افتتاحیه نخستین کنگره ایران‌شناسی (تهران ۱۳۸۱) تحسین اهل نظر را برانگیخت.

استاد، در کار پژوهشی و نگارش مقاله‌های تحقیقی، به استقصای تمام مقید بود و خود را به استفاده از منابع معتبر ملزم می‌شمرد؛ از مآخذ متعدد به زبان‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسه، عربی، ایتالیایی، و روسی با رویکرد انتقادی بهره می‌جست و نظر خود را به روشنی بیان می‌کرد، در عین آنکه راه داوری و احیاناً خلاف را بر کارشناسان نمی‌بست. زبان و بیانش رسا و گویا بود و، با همه علاقه‌مندی به زبان اصیل فارسی، در سره‌نویسی به افراط‌گرایی نداشت و به انتقال معانی به زبان هرچه روشن‌تر پابند بود. در طرح مسائل، گره‌ها و پیچ و خم‌ها را نشان می‌داد و می‌کوشید گام به گام آنها را بگشاید و طی کند.

سرکاراتی، در انتقال معلومات و حاصل تجارب علمی خود به دانشجویان و

دستیاران، سخاوتمند بود. منابعی را که در اختیار داشت بی دریغ در دسترس آنان می گذاشت. در کار پژوهشی، راهنمای با کفایتی برای آنان بود و پرورش آنان را وظیفه خود می دانست.

حاصل تحقیقات سرکاراتی بعضاً در قالب مقاله و سخنرانی و مصاحبه و چند کتاب و طرح پژوهشی به چاپ رسیده و منتشر شده است. پاره‌ای از سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های او به صورت مقاله‌های مستقل یا در مقدمه کتاب‌ها عرضه شده است. چهارده مقاله او به زبان انگلیسی، که در کنفرانس‌ها و همایش‌های بین‌المللی ارائه شده، هنوز در یک مجموعه انتشار نیافته و در دسترس علاقه‌مندان قرار نگرفته است. از آثار منتشر شده مهم اوست: ترجمه دین ایرانی بر پایه متن‌های کهن یونانی، اثر امیل بنونیست<sup>۲</sup>، انتشارات کمیته استادان دانشگاه تبریز، تبریز ۱۳۵۰؛ (تجدید چاپ به نفقه بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۴ و نشر قطره، تهران ۱۳۷۷)

ترجمه اسطوره بازگشت جاودانه، اثر میرچا الیاده<sup>۳</sup>، نشر قطره، تهران ۱۳۷۸؛  
کارنامه شاهان در روایات ایران باستان، انتشارات دانشگاه آذربادگان، تبریز ۱۳۵۰؛  
سایه‌های شکار شده (مجموعه مقالات پژوهشی)، نشر قطره، تهران ۱۳۷۸؛  
اوستا از دیدگاه هنر نو (ترجمه بخش‌هایی از اوستا به زبان فارسی)، فرهنگسرای نیاوران، تهران ۱۳۵۷.

از آثار منتشر نشده اوست:

بررسی ریشه‌شناختی افعال فارسی؛

بررسی سه فرگرد و نندیداد؛

اصطلاحات خویشاوندی در زبان‌های ایرانی؛

دین ایرانی بر پایه متن‌های کهن یونانی، اثر امیل بنونیست (۱۹۰۲-۱۹۷۶)، استاد پُرآوازه فرانسوی در عرصه پژوهش‌های هند و اروپائی، حاوی متن چهار سخنرانی اوست که

2) BENVENISTE, E., *The Persian Religion, According to the Chief Greek Texts*, P. Guthner, Paris 1929.

3) Eliade, Mircea, *The Myth of the Eternal Return*, Princeton, Princeton UP 1971.

به سال ۱۹۳۶ در دانشگاه سوربن (پاریس) ایراد شده است.

اسطوره بازگشت جاودانه، اثر میرچا الیاده (۱۹۰۷-۱۹۸۶) دانشمند دین‌شناس رومانیایی، حاوی بحث جالبی است درباره مفهوم زمان مقدس بر پایه افسانه‌ها و آیین‌ها و نمادهای کهن، زمانی اساطیری که همواره در حال نو شدن و بازگشتِ مقارن سالروزهای آیینی است. سرکاراتی، در ترجمه آثار، با مقدمه‌ها و یادداشت‌های تکمیلی و تعلیقات و حواشی خود، بر فواید آنها افزوده و کوشیده است مطالب آنها را، به تعبیر خودش، امروزی‌تر سازد. همچنین فهرستی از منابع موثق و معتبر در موضوع آنها به دست داده که پژوهشگران جوان را در کار پژوهشی دستگیر باشد.

از مندرجات مجموعه سایه‌های شکار شده، شایسته است مقاله‌های مهم و ممتعی چون «پری» (۲۶ صفحه)؛ «رستم، شخصیت اسطوره‌ای یا تاریخی؟» (۲۴ صفحه)؛ «بنیان اساطیری حماسه ملی ایران» (۴۲ صفحه)؛ «پهلوان اژدرکش در اساطیر و حماسه ایران» (۱۴ صفحه)؛ «بازشناسی افسانه گرشاسب در منظومه حماسی ایران» (۳۶ صفحه)؛ «اخبار تاریخی در آثار مانوی» (۷۱ صفحه)؛ همچنین چند مقاله درباره ریشه دیرینه برخی از واژه‌ها و اصطلاحات و امثال کهن نام برده شود که نمودار تسلط نویسنده بر منابع خارجی و قدرت استنتاج و سلامت استنباط او حاوی دریافت‌های بکر اوست. از جمله مقاله‌های این مجموعه است ترجمه «زبان کهن آذربایجان» اثر هنینگ<sup>۴</sup> (۲۶ صفحه) که مترجم مقاله‌ها و کتاب‌های منتشر شده از تحقیق هنینگ در آن باب را معرفی و نکات مهم آنها را گزارش کرده است.

از سرکاراتی، مقاله‌های ذیل مدخل‌های «توران» و «جمشید» در دانشنامه جهان اسلام و ذیل مدخل «پری» در دانشنامه زبان و ادب فارسی به چاپ رسیده است. در مقدمه فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی تألیف محمد حسن دوست نیز، متن سخنرانی سرکاراتی درباره «ضرورت تدوین فرهنگ ریشه‌شناسی» درج شده که خود مقاله تحقیقی مفصّلی است. مقاله‌های دیگری از استاد فقید در مجله‌های متعدد منتشر شده که از جمله آنهاست: «سه گونه طبابت در پزشکی ایران باستان، اهتمام برای جبران مافات» (متن سخنرانی در

4) HENNING, Walter Bruno, «The Ancient language of Azerbaijan».

فرهنگستان) و «برای شناخت ایران چه باید کرد؟» (روزنامه اطلاعات، ۲۷ شهریور ۱۳۹۲)  
سرکاراتی، از نظر اخلاق علمی، جدی و معتدل همچنین، در داوری و نقد، منصف و  
به دور از افراط و تفریط بود. ادب نقد را رعایت می‌کرد، حرمت همه را نگه می‌داشت؛  
در عین صراحت لهجه و به دور از مدهائنه، زبانش عقیف بود. از آلودن زبان به هرزه‌گویی  
و ناروا سخت پرهیز داشت.

استاد، در معاشرت، صمیمی و صادق و خوش‌برخورد و کریم‌الطبع بود. دوستی با او  
بسیار دلپذیر و سرشار از حلاوت و هم‌پرفیض و بس مغتنم بود.  
سرکاراتی تعصب قومی نداشت و به ایران و فرهنگ ایرانی عشق می‌ورزید. با فقدان  
او، جامعه علمی ایران، یکی از چهره‌های برجسته و همکاران و دوستان و نزدیکانش  
جوانمردی عزیز و وجودی پرارزش را از دست دادند. یادش گرامی و زنده باد.

□

